

اعتماد به جوانان

هدف از طرح «بزرگ شدن در شهرها» افزایش مشارکت جوانان در اداره امور محله‌هایشان است.

ساکنان مرکز فرانکستون، از حومه‌های شهر ملبورن در ساحل جنوبی استرالیا، در اواسط دهه ۹۰ شروع به ترک این محله کردند. این محله از مدتی قبل در کنترل و نفوذ قاچاقچیان مواد مخدر، معتادان و متکدیان درآمدی بود و نقطه‌ای بسیار خشن و خطرناک محسوب می‌شد. به این سبب تمامی شهر که تقریباً دوسوم از ساکنان آن در سنین زیر ۴۰ سال هستند، از این شهرت بد در رنج بودند.

فرانکستون در دسامبر ۲۰۰۲ طی تشریفات، «مرکزی امن برای شهر» را گشود. این اولین اقدام در نوع خود است که شهرداری و پلیس مشترکاً در استرالیا به عمل آوردند. در واقع، این اقدام که عنوان اصلی مطبوعات کشور را به خود اختصاص داد و هیجانی عمومی را برانگیخت، نتیجه عینی کوششی اصولی است که شهرداری برای مقابله با ناامنی انجام داده است. شهرداری فرانکستون در این راه، از همکاری گروهی از مجریان طرح «بزرگ شدن در شهرها» (GUIC) برخوردار بود. هدف از این طرح که به ابتکار یونسکو شکل گرفته است، شرکت دادن جوانان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به بهسازی محله‌های آن هاست.

طرح یاد شده در سال ۱۹۹۸ در فرانکستون آغاز شد. در مرحله تحقیق طرح، کودکان و جوانان اعلام کردند که مواد مخدر و خشونت، بزرگ‌ترین مشکل آن هاست و این مشکل، جابه‌جایی‌ها و زمانی را که آنان برای گذراندن در خارج از خانه در اختیار دارند، محدود کرده است. آن‌ها همچنین از احساس ملال شدید سخن گفتند.

شهرداری فرانکستون در سال ۱۹۹۹، بر اساس پیشنهاد مسئولان طرح، کمیسیونی مشورتی برای امنیت جوانان تشکیل دادند که یکی از چهار رکن امنیتی طرح است. ۱۵ عضو این شورا که در سنین ۱۶ تا ۱۹ سالگی هستند، پس از چند جلسه، خواسته‌هایی را مطرح کردند که به آن‌ها عمل شد. این خواسته‌ها عبارت بودند از: تقویت حضور پلیس برای راندن فروشندگان مواد مخدر، پخش موسیقی کلاسیک در اماکن عمومی، رنگ‌آمیزی مجدد ایستگاه راه‌آهن و بهسازی وضعیت روشنایی آن.

خواسته دیگر آنان که جامعه عمل پوشید، مرمت یک فواره در زمین اسکیت بورد آن‌ها و نیز ایجاد یک مانع در پایان مسیر اسکیت بورد بود تا از سر خوردن آنان به داخل بزرگراه جلوگیری شود. شهرداری امروزه طرحی را در مورد مواد مخدر و الکل به اجرا گذاشته است که بخشی از آن به

جوانان مربوط است. مرکز شهر، رفته‌رفته امن‌تر شده و زندگی عادی خود را از سر گرفته است. در واقع، شهر فرانکستون به طور کلی روندی از تجدید حیات را آغاز کرده است.

تصوّرات پیش‌ساخته در مورد جوانان باید عوض شود

شهرداری از این همکاری بسیار خوشنود است. جف کامپینگ، مدیر تسهیلات عمومی شهر که همراه جوانان در فعالیت‌ها شرکت داشت، می‌گوید: «ما غالباً هنوز برای درک پدیده رشد کردن و بزرگ شدن در فرانکستون به گزارش طرح ابتکاری یونسکو (GUIC) مراجعه می‌کنیم، این تحقیقات زیربنای بسیار محکمی را در اختیار ما قرار داده است».

البته نظرات جوانان گاه متفاوت است و برای مثال، معتقدند که این تجربه در مواردی «نومیدکننده» بوده است. به عقیده امی لی، ۲۱ ساله، که ریاست کمیسیون جوانان را به عهده داشت، یکی از عمده‌ترین چالش‌ها «تغییر دادن تصوّرات پیش‌ساخته قالبی و برداشت‌های منفی بزرگ‌ترها از جوانان» بود. شهرداری در سال ۲۰۰۲ این کمیسیون را با این استدلال که «جذب جوانان به این نهاد و حفظ روابط با آنان» دشوار شده است، منحل کرد. اسکات دانکن که در ۱۷ سالگی عضو کمیسیون شده بود، می‌گوید: «علت بی‌علاقگی و بی‌انگیزه بودن جوانان برای پیوستن به کمیسیون این است که برخی از تصمیمات ما، نه مورد توجه قرار گرفت و نه به آنها عمل شد».

با این وصف، مشارکت جوانان امری جا افتاده شده است و برای نمونه، جایگاه‌هایی برای ایشان در کمیسیون جدید امنیت گروهی تعیین شده است. این جایگاه‌ها امروزه در اختیار اسکات، امی و هلن قرار دارد. هلن که در اداره امور شهر خود مشارکت دارد و به باور او این امر برای وی دستاوردهای شخصی بسیاری در بر داشته است می‌گوید: «من خودم را بالغ‌تر از بسیاری از دوستانم احساس می‌کنم. من جنبه سیاسی مسائل را نیز دریافته‌ام. می‌توانم جلسه‌ها را اداره کنم و از بزرگ‌ترها، چیزهای زیادی یاد گرفته‌ام»؛ اما اسکات که هر هفته در جلسه ۳۰/۷ صبح شرکت می‌کند، خوشبینی محتاطانه‌تری نشان می‌دهد: «احتمالاً این روند خیلی هم بی‌عیب و نقص نیست، ولی ما می‌توانیم آن را اصلاح کنیم و این کار را پیش‌تر هم کرده‌ایم».

یکی دیگر از طرح‌های «بزرگ شدن در شهرها»، سال ۱۹۹۶ در حلبی‌آبادی به نام کانانسلاند، نزدیک ژوهانسبورگ در افریقای جنوبی به اجرا گذاشته شد. کودکان و جوانان در مرحله تحقیقاتی که برای تعیین اولویت‌هایشان (دسترسی به آب، احداث سرویس‌های بهداشتی، دسترسی بیشتر به مراقبت‌های بهداشتی، احداث یک مرکز مطالعه و یک میدان محفوظ برای ورزش) اجرا می‌شد، با اشتیاق شرکت کردند. شهرداری از این اقدام حمایت می‌کرد و طرح‌هایی برای کمک به نوجوانان در حال شکل‌گیری بود.

اما یک روز مأموران مالکان از راه رسیدند و جمعیت ۱۰۰۰۰ هزار نفری کانانسلاند را با خشونت به جانب تولا منتوانا در ۴۰ کیلومتری ژوهانسبورگ راندند و آنان ناچار شدند که کپرهای تازه‌ای

را برای خود احداث کنند. این، ضربهٔ تکان‌دهنده‌ای بود؛ بُعد مسافت سبب شد که بسیاری از بزرگسالان، شغل خود را از دست بدهند، آب، به‌وسیلهٔ تانکر و به‌شکل نامرتب می‌رسید، از تأسیسات بهداشتی تقریباً هیچ خبری نبود؛ با این همه، مجریان طرح "بزرگ شدن در شهرها" توانستند به لطف حمایت امدادگرانی از شمال، در سال ۱۹۹۹ یک زمین بازی و یک مرکز مطالعه برای بچه‌ها بنا کنند. فیلمی نیز در مورد بچه‌های تولا منتوانا ساخته شد.

این‌روزها جوانان این حلبی‌آباد، ناامیدانه کتابخانه و کامپیوتر را در رؤیاهایشان جست‌وجو می‌کنند. زمین بازی نیاز به مرمت دارد، گو اینکه بچه‌ها با بی‌خیالی در آن به بازی ادامه می‌دهند. تنها سازمان‌هایی که از مرکز جوانان استفاده می‌کنند، دو کلیسا هستند. مقامات محلی مسئول ادارهٔ تولا منتوانا، از هر نوع مشارکتی در طرح خودداری کرده‌اند. تنها اقدامی که از جانب ایشان امید می‌رود، آسفالت شدن جادهٔ اصلی حلبی‌آباد است.

واکنش سریع

با این حال، در عرصه‌ای دیگر شاهد پیشرفت‌هایی هستیم. جیل کروگر مسئول «بزرگ شدن در شهرها» در افریقای جنوبی، به درخواست شهرداری، گزارشی را در مورد شرایط زندگی کودکان در چهار محلهٔ محروم‌نشین شهر تهیه کرده است. وی در دسامبر ۲۰۰۲ نیز با اجرای طرحی چهار مرحله‌ای به جمع‌آوری پیشنهادهای نوجوانان برای ارائه به «برنامهٔ اقدام برای کودکان استان گوتنگ» پرداخت. او می‌گوید: «جوانان پیشنهادهای متعددی را برای امکان پذیر ساختن مشارکت‌شان ارائه کرده‌اند. مسئولان شهری قول داده‌اند که این مشارکت جامهٔ عمل خواهد پوشید».

اما احتمالاً نوجوانان تولا منتوانا از این قول بی‌اطلاع‌اند و در هر صورت زمان بندی کاری آن‌ها با زمان بندی رسمی متفاوت است. این تفاوت، از مهم‌ترین موانع بر سر راه مشارکت راستین نوجوانان در توسعهٔ محلی است. کارن مالونه، مدیر «طرح بزرگ شدن در شهر» در منطقهٔ آسیا - اقیانوسیه، دلیل موفقیت این طرح در فرانکستون را تعهد راستین شهرداری و نیز اقدام این نهاد در ایجاد یک کمیسیون ویژه برای پاسخگویی فوری به یکی از تقاضاهای نوجوانان می‌داند.

دیوید دریسکل، مدیر طرح یاد شده در هند می‌گوید، تمرکز باید بر هدف‌های عینی ساده، مانند سالن مطالعه‌ای که برای کودکان بنگلور احداث شده است، و آموزش نحوهٔ استفاده از پیشنهادهای نوجوانان به مقامات تصمیم‌گیرنده باشد. وی می‌گوید: «چگونه گوش دادن، امری است که نیاز به آموختن دارد و طرح «بزرگ شدن در شهرها» به ما امکان می‌دهد که این مهارت را فراگیریم».

مونیک پرو - لائو

با همکاری تریسی وینچ در ملبورن

و ادوارد تسومله با همکاری ادی موکوننا در ژوهانسبورگ

لوئیز چاولا، متخصص در روان‌شناسی محیط کودک و مدیر بین‌المللی طرح «بزرگ شدن در شهرها» می‌گوید: «غالباً گفته می‌شود که شهرهای امروزی برای انسان‌های میانسال طبقه متوسط و خودروسوار ساخته شده‌اند، ولی شمار روزافزونی از کودکان جهان، در شهرها و محیط‌های کلان شهری آنها در حال بزرگ شدن هستند».

خانم چاولا در سال ۱۹۹۵ به یونسکو پیشنهاد احیای طرحی تحقیقاتی را داد که در دهه ۱۹۷۰، به ابتکار یک برنامه‌ریز شهری امریکایی به نام کوین لینچ اجرا شده بود. در این طرح، نحوه زندگی کودکان و نوجوانان در شهرها با هدف جلب توجه تصمیم‌گیرندگان به پیشنهادهای نوجوانان، تحقیق می‌شود. امروزه، طرح «بزرگ شدن در شهرها» (GUIC) در چند شهر همچون ملبورن (استرالیا)، بوئنوس آیرس (آرژانتین)، ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی)، اوکلند (امریکا)، بنگلور (هند)، تروندهیم (نروژ)، ورشو (لهستان) و نورثامپتون (بریتانیا) به اجرا درآمده است.

شیوه‌های تحقیق، همان شیوه‌های لینچ است. محققانی از دانشگاه‌های محلی با کودکان و نوجوانان مصاحبه می‌کنند، از آنان می‌خواهند تا محیط‌شان را توصیف کنند و خواسته‌هایشان را در مورد محیط مطرح سازند. سپس نوبت به مسئولان محلی می‌رسد که ببینند آیا باید به مقابله این چالش بروند یا نه.

این کوشش‌ها، موضوع کتابی به نام «بزرگ شدن در جهان شهری شونده» که تحت نظارت چاولا انتشار یافته، قرار گرفته است. کودکان و نوجوانان به‌رغم تفاوت‌های عمیق محیطی‌شان، هنگام سخن گفتن از آرمان‌های محیطی، با زبانی صحبت می‌کنند که به گونه شگفت‌انگیزی بین آنان مشترک است.

آنچه که بیش از هر چیزی برای آن‌ها خوشایند است، احساس پذیرفته شدن و ارزش داشتن، احساس تعلق داشتن به جامعه‌ای صمیمی است که مکان‌های ملاقات متعدد داشته، و جابه‌جایی آسان و امن در آن میسر باشد. در مقابل، ناگوارترین چیز برای آنان احساس حاشیه‌نشینی بودن، مطرود و ملول بودن (به ویژه در کشورهای ثروتمند)، بیم از خشونت و نبود خدمات اساسی است. این بخش نظری است. بخش عملی را می‌توان در یک «راهنمای مشارکت» یافت که دیوید دریسکل برای برنامه‌ریزان شهری، شهرداران، ادارات خدمات اجتماعی و غیره تألیف کرده است. این اثر که «ایجاد شهری بهتر به کمک کودکان و نوجوانان»^{*} نام دارد، به استناد تجربیات میدانی، نشان می‌دهد که چگونه باید جوانان را در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی شرکت داد. کتاب یادشده، به کلیه جوانب اعم از نحوه انتخاب طرح‌ها، اجرای مصاحبه‌ها و یا آموزش مسئولان شهر می‌پردازد.

امروزه، برنامه‌ریزان شهری در سوئد، لبنان، اردن و ونزوئلا به اجرای این طرح اقدام کرده‌اند. کانادا و چند کشور عربی نیز طرح‌هایی از این قبیل را مورد بررسی قرار داده‌اند.